

شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های توسعه گردشگری کودک از منظر ویژگی‌های فرهنگی، زیرساختی و ظاهری مقصد (مورد مطالعه: شهر یزد)

میرمحمد اسعدی،^۱ حامد فلاح تفتی،^۲ امهدیه زحمت‌کش سردوراهی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۶

چکیده

تاکنون در حدود ۳۳۰ نوع گردشگری شناسایی شده که هریک خواسته‌های گروه متفاوتی را مدنظر قرار داده است. کودکان، اعضای حمایت‌پذیر جامعه، نیازها و انتظارات منحصربه‌فردی دارند و توجه به شکوفاسازی استعدادها و آموزش صحیح آنان از الزامات توسعه است. گردشگری کودک خواسته‌های این گروه از جامعه و خلق تجربه مطلوب برای آنان در سفر را بررسی می‌کند؛ بنابراین لازم است با شناخت صحیح ویژگی‌ها و تنوع نیازهای آنان، برنامه‌ریزی متناسبی در توسعه توانمندی‌های مقصد صورت پذیرد. پژوهش حاضر، با هدف شناخت مؤلفه‌های توسعه گردشگری کودک از منظر فرهنگی، زیرساختی و ظاهری مقصد ارائه شده است. به این منظور، پس از شناخت شاخص‌های اثرگذار بر گردشگری کودک و نیازهای آن‌ها به کمک ادبیات پژوهش، پیمایشی میان نمونه منتخب از گردشگران شهر یزد انجام شده است. تحلیل داده‌های گردآوری‌شده با روش تحلیل عاملی اکتشافی به شناسایی پنج مؤلفه اصلی در توسعه گردشگری کودک منجر شد. سپس، با اجرای مدل ساختاری از مؤلفه‌های با روش تحلیل عاملی تأییدی، اعتبار متغیرهای استخراج‌شده سنجیده شد. نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های ظاهری مقصد با ۱۴/۵۸۳ درصد واریانس تبیین‌شده مهم‌ترین عامل در توسعه گردشگری کودک بوده است و به ترتیب ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی، امکانات و فناوری، رویدادهای اجتماعی و زیرساخت‌ها و امکانات فیزیکی پس از آن قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: گردشگری کودک، ویژگی‌های فرهنگی مقصد، ویژگی‌های زیرساختی مقصد، ویژگی‌های ظاهری مقصد، شهر یزد

۱. دانشیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و هنر یزد

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و هنر یزد (h.fallah@sau.ac.ir)

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و هنر یزد

مقدمه

امروزه، در بسیاری از کشورها، صنعت پویای گردشگری منبع اصلی درآمد، اشتغال، رشد بخش خصوصی و توسعه زیربنایی شناخته شده است (بهارى میمند و همکاران، ۱۳۹۷). این صنعت به علت مواجهه با انسان‌ها و نیازهای متفاوت آنان شامل انواع گوناگونی است، تاجایی که برخی به حدود ۳۳۰ نوع گردشگری اشاره کرده‌اند (McKercher, 2016)؛ از جمله حوزه‌هایی مانند گردشگری پزشکی که به نیاز درمانی و سلامت افراد می‌پردازد یا گردشگری ورزشی که علایق و فعالیت‌های ورزشکاران عمومی و حرفه‌ای را پوشش می‌دهد.

کودکان جزو آن گروه‌های اجتماعی هستند که تاکنون در گردشگری توجه چندانی به تأمین نیازهای حال و آینده و خواسته‌های ویژه آنان نشده است. کودکان که از اعضای حمایت‌پذیر جامعه به‌شمار می‌روند اغلب به همراه خانواده‌ها در بسیاری از سفرها حضور دارند، اما موضوع اصلی سفر معمولاً خواسته‌های آنان نیست. هرچند برای تأمین بخشی از نیازهای آنان تلاش‌هایی شده و در مقاصد گردشگری مراکزی برای سرگرمی آنان در نظر گرفته شده است، اما لازم است به‌صورت متمایز، تخصصی و با هدف کشف فرصت‌های برنامه‌ریزی، توسعه و سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری، نیازهای این گروه شناسایی و احصا شود. به این منظور، باید علاوه بر توجه به تمایلات شخصی آنان، که اغلب تفریح و سرگرمی را دربر می‌گیرد، به رشد شخصیت و آگاهی‌ها و استعدادهای آنان با هدف افزایش توانمندی‌هایشان توجه شود.

همچنان که فرزندان رشد می‌کنند و به بلوغ می‌رسند، سفرهای خانوادگی و گروهی به بخشی از روند زندگی آنان تبدیل می‌شود و بازیگران صنعت گردشگری، با آگاهی از این موضوع، سخت در تلاش‌اند تا سهم بیشتری از بازار گردشگرانی را که

در قالب گروه‌های خانوادگی سفر می‌کنند به‌دست آورند. برای دستیابی به این هدف، با تبلیغات و اطلاع‌رسانی، شرایط ویژه‌ای برای این گردشگران در نظر می‌گیرند که در قالب تخفیف‌ها و تسهیل شرایط اقامت در مکان‌های اقامتی و تفریحی به خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود (محمودی میمند و مقدمی، ۱۳۹۱؛ ۱۵۱).

پژوهش‌های اندکی در حوزه گردشگری کودک و ویژگی‌های آن صورت گرفته است (Poria & Timothy, 2014). از آنجاکه کودکان در تأثیرگذاری در تصمیم‌های مربوط به سفر و گردشگری خانواده توانایی محدودی دارند، اغلب عضوی همراه در سفر شناخته می‌شوند و معمولاً نیازهایشان در فرایند گردشگری در سطوح بعدی اهمیت قرار می‌گیرند (Khou-Lattimore et al., 2018). از آنجاکه کودکان حساس‌ترین و تأثیرپذیرترین گروه سنی جامعه را تشکیل می‌دهند و در تجدید حیات هر نسل نقش بسزایی دارند، بدون توجه به رشد جسمی و ذهنی آنان و اطمینان از دستیابی به آموزش‌های مناسب، پیشرفت جامعه بشری ممکن نیست؛ از این رو لازم است در حوزه سفر نیازهای آنان به‌خوبی شناسایی شود و مبنای توسعه زیرساخت‌های گردشگری قرار گیرد. این گروه برای دستیابی به رشد ذهنی مناسب نیاز به ادراک‌های حسی دارند و تعامل با دنیای خارج این امر را ممکن می‌سازد. همین موضوع فرصتی مناسب برای بازیگران اقتصادی صنعت گردشگری از یک‌سو و خانواده‌ها در مقام اولیا و علاقه‌مند به رشد جسمی و ذهنی کودکان از سوی دیگر است (شفیع‌پور یوردشاهی و همکاران، ۱۳۹۷).

پیش‌بینی می‌شود سفرهای خانوادگی در قیاس با سایر انواع گردشگری‌های تفریحی رشد بیشتری داشته باشد و این فرصتی برای باهم‌بودن اعضای خانواده است تا فارغ از مشغله و گرفتاری‌های روزمره، اوقات بیشتری را با یکدیگر بگذرانند (Shavanddasht, 2018).

هم ثبت خاطرات خوشایند در ذهن کودکان و هم در نظر گرفتن دغدغه‌های خانواده‌ها و مربیان در رشد و توانمندسازی آنان حائز اهمیت است، مؤلفه‌های استخراج‌شده تمامی این ابعاد را دربر می‌گیرد. با تصمیم‌گیری مناسب درباره‌ی تأمین نیازهای این گروه از گردشگران، می‌توان امیدوار بود که شمار گردشگران کودک در مقاصد شهری افزایش یابد تا در کنار آن، مواهب رشد اقتصادی و توسعه‌ی زیرساخت‌ها برای مقاصد حاصل شود، همچنین بستر پرورش نسلی توانمند با استعدادهای شکوفاشده فراهم شود. در انجام این پژوهش، گردشگران شهر یزد برای نمونه انتخاب شده‌اند. این امر به علت قرار گرفتن شهر یزد در فهرست مقاصد برتر گردشگری فرهنگی - تاریخی کشور ایران است. این شهر سالانه پذیرای گردشگران داخلی و خارجی بی‌شماری است که بسیاری از آن‌ها به‌صورت خانوادگی سفر می‌کنند. سابقه‌ی تاریخی، جاذبه‌های گردشگری، امکانات تفریحی - اقامتی و قرار گرفتن آن در فهرست میراث جهانی یونسکو یزد را به یکی از مقاصد گردشگری جذاب تبدیل کرده است. اما در این میان به تأمین نیازهای کودکان، به‌ویژه در فرایند گردشگری و توسعه‌ی امکانات شهری متناسب با توانمندی‌های جسمی و روحی آنان، توجه اندکی شده است. بنابراین نیاز به سرمایه‌گذاری در خصوص توسعه‌ی زیرساخت‌های فیزیکی و فرهنگی و اجتماعی برای کودکان در این شهر به‌خوبی احساس می‌شود.

پیشینه تحقیق

گردشگری کودک یکی از انواع گردشگری است که موضوعی جدید و نوپاست و تاکنون کمتر به آن توجه شده است (کیانی سلمی و نظری، ۱۳۹۶). در گردشگری کودک محور، کودکان علاوه بر بازی کردن و بازدید از مناظری که برایشان لذت‌بخش است، به آموزش و یادگیری مهارت‌هایی می‌پردازند که

نکته‌ی حائز اهمیت در این میان، اهمیت گسترش زیرساخت‌ها و فضاهای گردشگری متناسب با نیاز خانواده‌ها و کودکان است (صادق‌لو و ذاکری، ۱۳۹۷). در جوامع شهری، سه واحد اجتماعی «خانواده، مدرسه و فضاهای شهری» در روند آموزش و اجتماعی شدن کودکان اهمیت ویژه‌ای دارند (بهاروند، ۱۳۹۳). هرچند انتظار نمی‌رود همه‌ی اجزای شهر با شرایط فیزیکی و روان‌شناختی کودکان متناسب باشد، اما می‌توان در بخش‌هایی از فضای شهری، برای تجربه‌ی محیط پیرامونی مادی و معنوی برای آنان شرایط مناسب‌تری فراهم کرد. فضاهای شهری در پذیرش نقش‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، شیوه‌ی زندگی، تعامل عقاید و نهادینه کردن الگوهای رفتاری کودکان از طریق ارتباط مؤثر میان آموخته‌های پیشین آنان با تجارب جدید نقش بسزایی دارد. طراحی مناسب سازه‌های فیزیکی و اجتماعی در نهایت به احساس تعلق بیشتر کودکان به محیط، بلوغ فردی و اجتماعی و شناخت آنان از خود منجر می‌شود (همان)؛ بنابراین در گردشگری کودک محور، فضاهای شهری بیشتر از آنکه نقش کالبدی داشته باشند به علت برقراری تعاملات اجتماعی میان شهروندان واجد اهمیت‌اند و زمینه‌ی حضور تمامی افراد جامعه، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیرتر، مانند کودکان را در کنار هم با هدف آموزش و سرگرمی فراهم می‌کنند (کاشانی‌جو و همکاران، ۱۳۹۲).

هدف از پژوهش حاضر بررسی و شناخت مؤلفه‌های توسعه‌ی فرهنگی، زیرساختی و ظاهری مقاصد گردشگری با تأکید بر ویژگی‌های کالبدی شهری است؛ به‌نحوی که نیازهای کودکان، به‌منزله‌ی گردشگران محوری، مدنظر قرار گرفته شود. در شناخت این مؤلفه‌ها تلاش شده است به کودکان به چشم همراه سفر نگریسته نشود و خواسته‌های آنان از بعد روحی و جسمی اولویت سفر خانواده در نظر گرفته شود. از آنجاکه در گردشگری کودک،

مسائل امنیتی و زمین بازی برای کودکان معلول. از این رو لازمه موفقیت گردشگری برای کودکان را وجود فرصت‌های کسب تجربه و لذت از سفر می‌دانند که این همه، با طراحی مناسب ابزارها و فضاهای فیزیکی و معنوی فراهم می‌شود.

دریسل (2017) در کتابی با عنوان *ایجاد شهرهایی بهتر برای کودکان و نوجوانان*، به اهمیت حقوق کودکان و نقش آنان در ساخت شهرهای بهتر می‌پردازد و موارد زیر را در حکم عوامل مهم در ساخت شهر خوب برای کودکان و نوجوانان معرفی می‌کند:

۱. ادغام اجتماعی: به معنای ارتباط کودکان و نوجوانان با دیگر گروه‌های سنی در مکان‌های عمومی است که در آنها حس تعلق ایجاد می‌کند؛
۲. طراحی فعالیت‌های گوناگون و جذاب برای کودکان؛ از جمله در نظر گرفتن مکان‌هایی که کودکان بتوانند با هم گروه‌های خود تعامل داشته باشند یا به بازی بپردازند؛

۳. ایمنی اجتماعی و جسمانی و آزادی حرکت کودکان در محیط‌های شهری؛

۴. در نظر گرفتن مکان‌هایی برای ملاقات کودکان و خانواده‌ها با یکدیگر برای افزایش مهارت‌های اجتماعی و یادگیری؛

۵. مشارکت در کارها و فعالیت‌های فرهنگی که برای آنها دستاورد قابل درک به همراه داشته باشد، مانند شرکت در جشنواره‌ها و همایش‌ها؛

۶. در نظر گرفتن فضاهای سبز و اماکن تفریح و آموزش در شهرها.

دریسل همچنین عواملی را به منزله ویژگی‌های مخرب یاد می‌کند که در رشد توانمندی‌های کودکان نتایج معکوسی دارد. این موارد عبارت‌اند از:

۱. مقاومت در برابر رویارویی با محیط و انزوای اجتماعی؛

تعاملات اجتماعی آنها را افزایش می‌دهد و زمینه شکوفایی استعدادهايشان را فراهم می‌آورد (همان). گردشگری دوستدار کودک عبارت است از گردشگری سالمی که کودک بدون خطر و بی‌نیاز از مراقبت والدین به گردش و تفریح بپردازد. در این نوع گردشگری، کودک با طبیعت بهتر و بیشتر انس می‌گیرد و احترام گذاشتن به آن را می‌آموزد و در این فرایند توانایی‌ها و تمایلات وی در سطوح و سنین گوناگون در نظر گرفته می‌شود (مختاری ملک‌آبادی و بهشتی‌نژاد، ۱۳۹۴؛ کیانی سلمی و نظری، ۱۳۹۶). پومفرت و وارلی (2019) در پژوهشی به نقش

گردشگری ماجراجویانه در خانواده‌ها و تأثیر این نوع از سفرها در روابط خانوادگی، تندرستی، افزایش ماجراجویی و توسعه فردی کودکان پرداخته‌اند.

بر اساس نتایج این پژوهش، خانواده‌ها در تعطیلات و گردهمایی‌ها و گردشگری‌هایی که بیشتر در دسته ماجراجویی قرار می‌گیرد، می‌کوشند که سبک زندگی معمول خود را ادامه دهند و همین رویه، علاوه بر فرصتی برای تعامل بیشتر میان آنها، فرصت‌هایی برای تفریح و ورزش و سلامتی و همچنین یادگیری از محیط طبیعی و انسانی فراهم می‌آورد. این سفرهای کوتاه‌مدت موجب شده است که خانواده‌ها زمان بی‌وقفه و طولانی‌تری را در کنار هم سپری کنند.

نتایج نشان می‌دهد فعالیت‌های ماجراجویانه موجب رشد و تعالی مثبت شخصیت کودکان می‌شود و خاطره‌سازی و یادآوری مجدد آنها تقویت پیوند خانواده‌ها را در پی دارد. در پژوهش دیگری که پری و همکاران (2018) درباره قابلیت دسترسی و استفاده از

پارک‌ها و زمین‌های بازی انجام دادند، مشخص شد که برای سهولت استفاده کودکان و ارتقای تجربیات آنها باید در طراحی زیرساخت‌های گردشگری،

پارک‌ها و مکان‌های عمومی به مسائل گوناگونی پرداخت، از جمله قابلیت دسترسی، قابلیت استفاده از پارکینگ خودرو، سطوح مسیر، تجهیزات بازی، نور،

دستیابی به اهداف مدنظر مربیان، احساس لذت و شعف را افزایش می‌دهد و آن‌ها را برای یادگیری و مشارکت علاقه‌مند خواهد کرد.

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که واژه شهر دوستدار کودک، که اخیراً توجه طراحان و برنامه‌ریزان شهری را به خود جلب کرده، باید با برانگیختن احساس امنیت و رفاه همراه باشد. کیفیت امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شهر، محیط‌زیست و خدماتی قابل‌ارائه سه رکن اصلی‌اند که احساس رفاه شهری را در کودکان برمی‌انگیزند (Nordström, 2010).
مجتبوی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در مطالعه‌ای به تبیین راهکارهای طراحی کالبدی فضاهای فیزیکی مرتبط با کودک پرداخته‌اند. از جمله این راهکارها، برقراری ارتباط میان شخصیت درونی فرد و محیط بیرون، توجه به مقیاس‌های کودکان در طراحی فضا، توجه به جزئیات مصالح استفاده‌شده، خلق فضاهای شخصی برای فرصت‌آفرینی در ارائه فعالیت‌های خلاقانه، قراردادن کودک در فضای باز و محیط طبیعی، استفاده از رنگ‌ها و نور به منظور افزایش خلاقیت و پاسخ‌گویی محیط به نیازهای متفاوت کودکان است. درباره توجه به نیازهای کودکان در طراحی فضاهای عمومی، به شاخص‌های دیگری اشاره شده است، از جمله پویایی فضا و سهولت حرکت کودکان در آن برای تجربه موقعیت‌های جدید، توجه به فضای باز و طبیعت در طراحی، زمینه‌سازی و طراحی بازی‌های خلاق، مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد فضای لازم برای آزادی بیان و اظهارنظر درباره محیط پیرامون، توجه به فرم، شکل، هندسه و رنگ مبلمان شهری با توجه به سلیقه کودکان و ویژگی‌های جسمی آن‌ها، برانگیختن حس امنیت در محیط، توسعه فضاهایی بدون نظارت و محدودیت (از دید کودک) برای آسایش بیشتر و خلق فضاهای فعال که نیازمند تلاش جسمی و ذهنی کودکان در آماده‌سازی شرایط است (Chaudhury et al., 2019; Hanssen, 2019).

۲. مکان‌های کسل‌کننده برای کودکان؛

۳. ترس از آزار و اذیت و ایجاد نگرانی؛

۴. تفکرات نژادپرستی؛

۵. ترافیک‌های سنگین شهری که انرژی کودکان

را هدر می‌دهد؛

۶. آلودگی‌های محیطی ناشی از زباله‌ها،

سروصدا، ناهنجاری‌های تصویری و نمایشی؛

۷. فقدان خدمات اساسی شهری، مانند دسترسی به

آب آشامیدنی سالم، زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل.

در همین حوزه، یافته‌های پژوهش کسسی

(2017) حاکی از آن است که حضور کودکان در

جشنواره‌ها و مسابقات علمی به افزایش سطح

علاقه‌مندی آنان به علم و یادگیری منجر می‌شود،

دستیابی به اطلاعات جدید را برای آن‌ها فراهم

می‌آورد و رشد و گسترش دیدگاه‌های آن‌ها را در پی

دارد و در نهایت سطح یادگیری آن‌ها در برابر محیط

خود را افزایش می‌دهد. جیراسک و همکاران (2017)

در مقاله‌ای نشان دادند که برگزاری اردوها و کمپ‌های

خانوادگی اعتمادبه‌نفس کودکان را افزایش می‌دهد و

تعهد بیشتر و احساس انطباق فرد با شرایط و محیط

را در پی دارد. حضور این گروه اجتماعی در سفرها

و تورها، فرصت بی‌نظیری برای تجربه باهم‌بودن و

مواجهه با محیط پیرامون را پدید می‌آورد.

در خصوص اهمیت محیط فعالیت کودکان

و تأثیرش در افزایش توانمندی و یادگیری آن‌ها،

کریستیدو و همکاران (2013) دریافتند که در نظر گرفتن

رفتار و دیدگاه کودکان درباره زمین بازی و

نقش‌آفرینی آن‌ها در طراحی فضاهای آموزشی و

تفریحی لازمه موفقیت آموزش و پرورش است. کودکان

در وهله اول، زمین بازی را فضایی برای تفریح، بازی،

آرامش و ارتباط با همسالان خود می‌بینند و توجه

آن‌ها به کارکرد ورزشی و برنامه‌ریزی‌شده آن

کمتر است. بنابراین در صورتی که فضاهای آموزشی

و تفریحی با روحیات آن‌ها متناسب باشد، علاوه‌بر

جدول ۱: متغیرهای تأثیرگذار در توسعه گردشگری کودک
براساس مبانی نظری

منابع	نماد	متغیر	سازه اصلی
کریستیدو و همکاران (۲۰۱۳)، نوردسترام (۲۰۱۰)	A1	اهمیت امنیت اجتماعی کودکان	ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی
دریسکل (۲۰۱۷)، کریستیدو و همکاران (۲۰۱۳)، مجتبوی و همکاران (۱۳۹۳)	A2	روابط اجتماعی و فرهنگ کار گروهی با اهمیت دادن به نظرهای افراد	
دریسکل (۲۰۱۷)، ریچرز و همکاران (۲۰۱۹)	A3	آگاهی‌رسانی درباره حقوق کودک و نحوه تعامل با آن‌ها	
کیم و همکاران (۲۰۱۷)، خادمی و نوروزی (۱۳۹۶)	A4	تبلیغات رسانه‌ای درباره توانمندی‌های مقصد در جذب گردشگران کودک	
ریچرز و همکاران (۲۰۱۹)	A5	آموزش و تربیت نیروهای انسانی متناسب با نیاز گردشگران کودک	
دریسکل (۲۰۱۷)	A6	فرهنگ‌سازی و تقویت نظام خانواده با هدف حفظ ارزش‌های فرهنگی - دینی	
ریچرز و همکاران (۲۰۱۹)	A7	ارائه محتوای آموزشی مهارت‌های علمی و زندگی	
دریسکل (۲۰۱۷)، نوردسترام (۲۰۱۰)، مجتبوی و همکاران (۱۳۹۳)	B8	وجود محیط زیست سالم و بهداشتی	امکانات و فناوری‌های موجود
دریسکل (۲۰۱۷)، ریچرز و همکاران (۲۰۱۹)، کریستیدو و همکاران (۲۰۱۳)	B9	گسترش مکان‌های تفریحی و فرهنگی (پارک، کتابخانه، سینما، سالن‌ها)	
بری و همکاران (۲۰۱۸)، مجتبوی و همکاران (۱۳۹۳)	B10	نصب وسایل بازی استاندارد و دسترس‌پذیر برای کودکان	
بری و همکاران (۲۰۱۸)	B11	تسهیل دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی	
مولا (۲۰۱۹)، عام و چانگ (۲۰۱۹)، نوردسترام (۲۰۱۰)	B12	گسترش فناوری‌های کارآمد برای کمک به والدین به‌منظور کنترل و باری کودکان	
دریسکل (۲۰۱۷)	B13	توسعه و نگهداشت ابزارها و امکانات گردشگری عمومی (تیمکت‌ها، تابلوها، وسایل حمل‌ونقل عمومی)	
دریسکل (۲۰۱۷)، نوردسترام (۲۰۱۰)	B14	مدیریت ترافیک در منطقه منتخب گردشگری کودکان	
بری و همکاران (۲۰۱۰)، مجتبوی و همکاران (۱۳۹۳)	B15	گسترش ابزارها و وسایل قابل استفاده برای کودکان (با توجه به قد کودکان)	
پومفرت و وارلی (۲۰۱۹)	C16	برگزاری سفرهای ماجراجویانه و کشفی	
بری و همکاران (۲۰۱۸)	C17	برگزاری کارناوال کتاب‌خوانی و قصه‌گویی کودکان	
مجتبوی و همکاران (۱۳۹۳)	C18	تسهیل و تشویق مشارکت والدین در فرایند بازی و آموزش به کودکان	
کسسی (۲۰۱۷)، دریسکل (۲۰۱۷)	C19	برگزاری جشنواره‌های علمی - پژوهشی متناسب با نیاز آموزشی کودکان و توانمندی‌های مقصد	
دریسکل (۲۰۱۷)	C20	برگزاری مسابقات جذاب علمی - ورزشی	
جیراسک و همکاران (۲۰۱۷)	C21	برگزاری اردوهای پیشاهنگی	
گیل آلانا و همکاران (۲۰۱۹)، دریسکل (۲۰۱۷)	C22	برگزاری تورهای ورزشی	
ساناچی و همکاران (۲۰۱۹)	C23	برگزاری جشن‌ها و گردهمایی‌ها	
ساناچی و همکاران (۲۰۱۹)، دریسکل (۲۰۱۷)	C24	برگزاری همایش‌های بین‌المللی هنری	
ساناچی و همکاران (۲۰۱۹)	C25	برگزاری جشنواره تئاتر و فیلم کودک	

بنابراین شناخت نیازها و انتظاراتهای کودکان در مواجهه با محیط فیزیکی و اجتماعی لازمه موفقیت در توسعه گردشگری مربوط به این گروه است. با توجه به آنچه اشاره شد، جای خالی مطالعه‌ای که به‌صورت مدون به شناسایی مؤلفه‌های توسعه گردشگری کودک از منظر اقتصادی، زیرساختی و ظاهری مقصد پردازد احساس می‌شود. شناخت ویژگی‌های جسمی و فکری کودکان و متناسب‌سازی آن‌ها با توانمندی‌های مقصد نیازمند راهکارهای مناسبی است؛ از این‌رو پرسش‌های پژوهشی زیر مطرح شده است:

الف) نیازها و الزامات موفقیت در توسعه گردشگری کودک در شهر یزد با کدام متغیرها قابل سنجش است؟

ب) مؤلفه‌های اصلی توسعه گردشگری شهری براساس متغیرهای شناسایی شده چگونه است (مدل ساختاری از متغیرها)؟

ج) جهت‌گیری راهکارهای عملیاتی برای ارتقای جایگاه گردشگری کودک مقصد شهر یزد در ذهن این گروه از گردشگران به چه صورت باید باشد؟

چارچوب نظری پژوهش

با بررسی پیشینه پژوهش و مصاحبه با خبرگان، مؤلفه‌های مؤثر در توسعه گردشگری کودک از منظر توسعه اقتصادی، زیرساختی و ظاهری مقصد استخراج شد. به این منظور، برای اطمینان از روایی صوری شاخص‌های استفاده‌شده در اجرای پژوهش با استفاده از روش دلفی، با صاحب‌نظرانی که تجربه مرتبط داشتند، پژوهشگران دانشگاهی و روان‌شناسان مصاحبه شد و در نهایت ۴۴ مؤلفه مؤثرترین شاخص‌ها در این حوزه انتخاب شدند. جدول ۱ مؤلفه‌های استخراج‌شده به همراه منابع استفاده‌شده در شناسایی آن‌ها را نشان می‌دهد.

مطالعه ادبیات پژوهش و بررسی سابقه تحقیق و آشنایی با تجارب به‌دست‌آمده در داخل و خارج از ایران انجام شده است. روش میدانی با هدف ارزیابی اهمیت شاخص‌های مؤثر در گردشگری و نیازهای گردشگران کودک، بنابر نظر نمونه آماری منتخب اجرا شده است. پیمایش در دو مرحله اجرا شده است که در مرحله اول به آرای خبرگان منتخب صنعت گردشگری در جایگاه تصمیم‌گیرندگان، و صاحب‌نظران و مربیان تربیتی و آموزش کودکان در مقام افراد آشنا با نیازهای کودکان مراجعه شده است. به این منظور، نمونه‌ای مشتمل بر دوازده نفر از استان یزد، که حداقل ده سال سابقه فعالیت در حوزه کاری دارند، به صورت غیرتصادفی و قضاوتی، به روش گلوله برفی انتخاب شدند که توزیع آماری آن‌ها در جدول ۲ آمده است. با اجرای روش دلفی، از خبرگان منتخب خواسته شد، از میان پنجاه شاخص استخراج‌شده از ادبیات پژوهش که بیشترین تأثیر را در توسعه گردشگری کودک دارند، مهم‌ترین موارد را مشخص کنند. با میانگین‌گیری از نظرهای پاسخ‌دهندگان، ۴۴ شاخص مهم‌تر در پنج دسته شناسایی شدند: ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی (هفت شاخص فرعی)، امکانات و فناوری (هشت شاخص فرعی)، رویدادها (ده شاخص فرعی)، ظاهری (هفت شاخص فرعی) و فیزیکی-ساختاری (دوازده شاخص فرعی). جدول ۲: توزیع آماری اعضای منتخب پنل با هدف اجرای روش دلفی

ردیف	تخصص و حوزه فعالیت	تعداد منتخب
۱	مربیان آموزشی و پرورشی کودکان که شامل معلمان مراکز پیش‌دبستانی و مدارس بودند.	۴ نفر
۲	والدین و اولیای کودکان و دانش‌آموزان که همکاری مناسبی با مراکز آموزشی و پرورشی دارند.	۳ نفر
۳	صاحب‌نظران و متولیان حوزه گردشگری در بخش دولتی که تجربه و شناخت مناسبی از وضعیت گردشگری شهر یزد دارند (سازمان میراث فرهنگی شهرستان یزد).	۳ نفر
۴	فعالان حوزه گردشگری در بخشی خصوصی که حداقل ۱۰ سال در حوزه گردشگری شهر یزد تجربه دارند.	۲ نفر

سازه اصلی	متغیر	نماد	منابع
ویژگی‌های فرهنگی و ظاهری	زیباسازی محیطی با طراحی‌های متناسب با سلیقه کودکان	D26	ریچرز و همکاران (2019)، دریسکل (2017)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	افزایش آرامش محیطی با هدف ایجاد امنیت فکری	D27	کریستیدو و همکاران (۲۰۱۳)، نوردسترام (2010)
	روشنایی مناسب و زیبای محیطی	D28	پری و همکاران (2018)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	رنگ‌بندی مناسب برای کودکان در محیط‌های مربوط به آن‌ها	D29	مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	نماهایی که جذابیت گرافیکی دارند و شخصیت‌هایی که کودکان به آن‌ها علاقه‌مندند	D30	دریسکل (2017)، ریچرز و همکاران (2019)
	گسترش مهارت‌های ارتباطی کودک با محیط و دیگران	D31	دریسکل (2017)، کریستیدو و همکاران (2013)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	ساده و بی‌آلایش بودن محیط برای کودکان	D32	کریستیدو و همکاران (2013)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	توجه به امنیت جسمانی کودکان در طراحی فضاها و مکان‌های رفت‌وآمد	E33	پری و همکاران (2018)، دریسکل (2017)، کریستیدو و همکاران (2013)، نوردسترام (2010)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های تخصصی محصولات کودک	E34	ساینقی و همکاران (2019)
	خلق فضاهای جمع‌کننده و گردآورنده در محیط	E35	مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
ویژگی‌های فیزیکی-ساختاری	بهره‌گیری از طبیعت و فضاهای سبز در توسعه محل‌های بازی-آموزشی	E36	کریستیدو و همکاران (2013)، نوردسترام (2010)
	فراهم آوردن شرایط مشارکت و همکاری کودک در محیط	E37	دریسکل (2017)، کریستیدو و همکاران (2013)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	مهیابرکردن فضاهای مناسب برای بروز خلاقیت در کودکان	E38	نوردسترام (2010)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	امکان آزادی حرکت برای کودک (ارگونومی)	E39	دریسکل (2017)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	توجه به احساس استقلال‌طلبی در طراحی سازه‌ها	E40	مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	محیط‌های سرگرمی و تفریح مناسب	E41	ریچرز و همکاران (2019)، مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	توجه به برقراری و تقویت فعالیت‌های گروهی	E42	دریسکل (2017)، کریستیدو و همکاران (2013)
	معماری سازه‌ها با در نظر گرفتن استانداردهای کودکان	E43	مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)
	توسعه فضاهای عمومی متناسب با نیاز کودکان و خانواده آن‌ها (مانند معابر، ساختمان‌ها، مراکز مراقبت مادر و کودک)	E44	مجتبی و همکاران (۱۳۹۳)

روش تحقیق

این پژوهش با هدف کاربردی انجام شده است و جمع‌آوری داده‌ها به روش توصیفی و از نوع پیمایشی است. در گردآوری اطلاعات و داده‌ها، از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با پرسش‌نامه ساختاریافته بهره گرفته شده است. روش کتابخانه‌ای عمدتاً به‌منظور

تحلیل عاملی اکتشافی

این روش با هدف استخراج متغیرهای نامشهودی استفاده می‌شود که سازه‌های مطالعه‌شده (متغیرهای پژوهش) آن‌ها را پدید می‌آورند. در این روش، تلاش می‌شود براساس ماتریس هم‌بستگی داده‌های پیمایش، متغیرهایی که ارتباط زیاد و معنادار (بدون توجه به جهت ارتباط) دارند شناسایی شوند و آن‌ها را در عامل‌های نامشهود - که درون خود بیشترین شباهت را دارند و میانشان کمترین شباهت است - دسته‌بندی کند. هدف از تحلیل عاملی مختصر و مفید کردن اطلاعات به‌دست‌آمده از تعداد زیادی متغیر مشاهده‌شده و تبدیل آن‌ها به مجموعه کوچکی از عامل‌ها با حداقل از دست‌دادن اطلاعات است (Hox et al., 2017).

در اجرای این روش، به‌منظور اطمینان از کفایت تعداد نمونه اخذشده، از شاخص کایزر - مایر - اولکین (KMO)^۴ استفاده شده است که مقدار آن در شرایط مطلوب باید بیش از ۰/۶ باشد. همچنین، برای اطمینان‌یافتن از معنادار بودن ماتریس هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش، از آزمون بارتلت^۵ استفاده شده است. مقدار معناداری این آزمون ملاک اطمینان از وجود هم‌بستگی قوی میان متغیرهای سنجش در سطح جامعه است که باید کمتر از ۰/۰۵ باشد. مقادیر به‌دست‌آمده برای این شاخص‌ها در پژوهش حاضر در جدول ۳ ارائه شده‌اند که نشان‌دهنده کیفیت مناسب داده‌ها به‌منظور اجرای تحلیل عاملی است.

جدول ۳: مقدار شاخص KMO و نتیجه آزمون بارتلت

معیار KMO		877/0
آزمون بارتلت	کای دو تقریبی	6007/245
	درجه آزادی	946
	مقدار معناداری	0/00

4. Kaiser-Meyer-Olkin

5. Bartlett's Test

در مرحله دوم اجرای پژوهش، برای اطمینان‌یافتن از اعتبار ۴۴ شاخص نهایی به‌دست‌آمده از مرحله قبل، پرسش‌نامه‌ای بسته با طیف پنج‌تایی لیکرتی طراحی و اعتبارسنجی شد. جامعه آماری مراجعه‌شده در این مرحله، کلیه گردشگران ایرانی واردشده به شهر یزد بودند که حداقل یک فرزند زیر هجده سال داشتند و در بازه زمانی تابستان ۱۳۹۷ تا بهار ۱۳۹۸ به این شهر سفر کردند. از آنجا که جامعه آماری نامحدود برآورد شد، براساس جدول مورگان، تعداد نمونه مناسب ۳۸۴ نفر تعیین شد که برای اطمینان در نهایت ۳۹۰ پرسش‌نامه توزیع، تکمیل و تحلیل شد.

برای اطمینان‌یافتن از اعتبار سؤالات پرسش‌نامه از دو شاخص روایی و پایایی استفاده شده است. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه به علت استخراج گویه‌ها از ادبیات پژوهش و تأیید آن‌ها براساس آرای خبرگان (روش دلفی) تأیید شد. همچنین اطمینان از برقراری روایی سازه پرسش‌نامه‌ها با اجرای روش تحلیل عاملی اکتشافی و اطمینان از حذف شاخص‌های فرعی (گویه‌ها) دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ انجام شد (Estabrook & Neale, 2013). به‌منظور اطمینان از پایایی ابزار پژوهش تلاش شد که سؤال‌ها به‌اندازه کافی ساده و واضح باشند و هر سؤال فقط یک گویه را مدنظر قرار دهد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه و هریک از عوامل اصلی به‌صورت مجزا محاسبه شد که در همه موارد مقدار آن بیش از ۰/۷ بود. بنابراین، پرسش‌نامه از پایایی مقبولی برخوردار است.

تحلیل داده‌ها

داده‌ها در این پژوهش با دو روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی تحلیل شده است. در اجرای تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای اسپاس ۲۴ و آموس ۲۴ کمک گرفته شده است.

جدول ۴: متغیرهای مشهود و نامشهود استخراج‌شده
به همراه شاخص‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی

مقدار آلفا	واریانس تجمعی	درصد واریانس	مقدار ویژه	بارهای عاملی	گزاره‌ها	نام متغیر
۰/۸۶۲	۱۴/۵۸۳	۱۴/۵۸۳	۹/۰۰۱	۰/۹۵	زیباسازی محیطی با طراحی‌های متناسب با سلاقی کودکان	D26
				۰/۵۴	نماهای دارای جذابیت‌گرافیکی و شخصیت‌های موردعلاقه کودکان	D30
				۰/۵۳	افزایش آرامش محیطی با هدف ایجاد امنیت فکری	D27
				۰/۵۲	گسترش مهارت‌های ارتباطی کودک با محیط و دیگران	D31
				۰/۵۲	ساده و بی‌آلایش بودن محیط برای کودکان	D32
				۰/۴۹	روشنایی مناسب و زیبای محیطی	D28
				۰/۸۴۷	۳۶/۴۹۲	۱۱/۷۰۹
۰/۵۴	آموزش و تربیت نیروهای انسانی متناسب با نیاز گردشگران کودک	A5				
۰/۵۲	ارائه محتوای آموزشی مهارت‌های علمی و زندگی	A7				
۰/۵۲	آگاهی‌رسانی در خصوص حقوق کودک و نحوه تعامل با آن‌ها	A3				
۰/۴۷	تبلیغات رسانه‌ای در خصوص توانمندی‌های مقصد در جذب گردشگران کودک	A4				
۰/۴۶	فرهنگ‌سازی و تقویت نظام خانواده با هدف حفظ ارزش‌های فرهنگی - دینی	A6				
۰/۷۹۹	۳۷/۳۰۲	۱۱/۰۰۹	۶/۷۹۶	۰/۹۷	وجود محیط زیست سالم و بهداشتی	B8
				۰/۵۲	گسترش مکان‌های تفریحی و فرهنگی (پارک، کتابخانه، سینما، سالن‌ها)	B9
				۰/۴۹	تسهیل دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی	B11
				۰/۵۲	گسترش ابزارها و وسایلی که کودکان استفاده می‌کنند (با توجه به قد کودکان)	B15
				۰/۴۹	نصب وسایل بازی استاندارد و دسترس‌پذیر برای کودکان	B10
				۰/۴۸	گسترش فناوری‌های کارآمد برای کمک به والدین برای کنترل و یاری کودکان	B12
				۰/۷۲۸	۴۵/۵۸۰	۸/۳۷۹
۰/۵۰	برگزاری همایش‌های بین‌المللی هنری	C24				
۰/۵۰	برگزاری جشنواره‌های علمی، پژوهشی متناسب با نیاز آموزشی کودکان و متناسب با توانمندی‌های مقصد	C19				
۰/۴۹	برگزاری تورهای ورزشی	C22				
۰/۴۹	برگزاری مسابقات جذاب علمی - ورزشی	C20				
۰/۷۰۴	۵۲/۸۲۸	۷/۳۴۸	۴/۵۳۵			
				۰/۵۱	امکان آزادی حرکت برای کودک (ارگونومی)	E39
				۰/۵۲	توجه به احساس استقلال‌طلبی در طراحی سازه‌ها	E40
				۰/۵۱	توجه به برقراری و تقویت فعالیت‌های گروهی	E42

براساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، نه عامل مقادیر ویژه بالاتر از یک داشتند و روی هم ۵۲/۹۲۸ درصد از واریانس کل پرسش‌نامه را تبیین می‌کند، اما سهم عامل اول در قیاس با بقیه عامل‌ها چشمگیرتر است و ۱۴/۵۸۳ درصد واریانس را تبیین می‌کند. برای تعیین تعداد عامل‌ها از روش حداکثر تشابه^۶ استفاده شده است.

در مرحله بعد، برای استخراج عامل‌هایی که معنادارند و احتمالاً زیربنای مؤلفه‌های اصلی پژوهش را شکل می‌دهند، عمل پردازش فقط برای استخراج پنج عامل ادامه داده شد. برای تعیین اینکه هر متغیر (شاخص فرعی) بر روی کدام عامل نشسته است فقط شاخص‌هایی انتخاب شد که بار عاملی بالایی بر روی یک عامل داشت و بر روی عامل‌های دیگر بار نداشت. از ۴۴ شاخصی که در مرحله اول شناسایی شدند، در تحلیل عاملی فقط ۲۷ شاخص بار عاملی بالای ۰/۴ را داشتند که در جدول ۴ نشان داده شده است. با در نظر گرفتن محتوای متغیرهای هر عامل که بر روی آن بار شده‌اند و با توجه به میزان هم‌بستگی هریک از شاخص‌ها، عناوین مناسبی برای آن‌ها انتخاب شد. برای شناسایی متغیرهای مربوط به هر عامل و نیز به منظور تفسیرپذیر کردن عامل‌ها، چرخش عاملی به شیوه وریماکس^۷ استفاده شد.

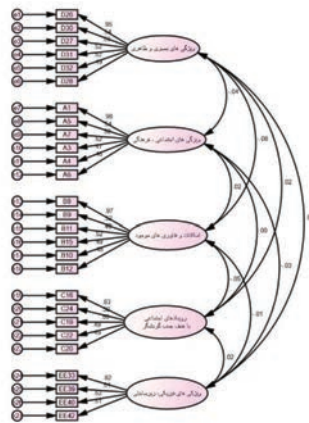
6. Maximum Likelihood

7. Varimax

ارتباط میان متغیرهای مشهود و نامشهود طراحی شد، سپس با اجرای این مدل، معناداری روابط میان آن‌ها بررسی شد (هومن، ۱۳۸۴).

نتایج مدل ساختاری نهایی از مؤلفه‌های مؤثر در توسعه گردشگری کودک، که براساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی اجرا شده است، در شکل ۲ به صورت استاندارد شده نشان داده شده است.

شکل ۱: مدل ساختاری عوامل مؤثر در توسعه گردشگری کودک به منظور اجرای روش تحلیل عاملی تأییدی



در این مدل، بیضی‌ها متغیرهای مکنون یا عامل‌ها هستند و مستطیل‌ها سؤالات پرسش‌نامه یا گویه‌های تحقیق را نشان می‌دهند. پیکان‌های یک‌سویه از بیضی‌ها به مستطیل‌ها نشان می‌دهد که گویه‌ها روی کدام عامل بار می‌گیرند و ارزش‌های نوشته‌شده روی پیکان‌ها بار عاملی هر گویه را نشان می‌دهد. هرچه مقدار بار عاملی نزدیک به ۱ باشد، نشان‌دهنده اهمیت آن گویه در تبیین متغیر نامشهود مرتبط با آن است. همچنین پیکان‌های دوسویه میان متغیرهای نامشهود کوواریانس میان آن‌ها را نشان می‌دهد که هرچه مقدار آن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده تمایز میان عامل‌ها و ارتباط کمتر میان آن‌هاست. هرچه تشابه میان عامل‌ها کمتر باشد، از نظر متمایز بودن عامل‌ها و توجه به ابعاد متفاوت موضوع پژوهش (توسعه

بررسی گویه‌های مربوط به عامل اول (سؤالات پرسش‌نامه) نشان داد که این متغیرها به موضوع ویژگی‌های زیباسازی نماها و عناصر شهری اشاره دارد که ویژگی‌هایی مانند طرح‌های بصری، رنگ‌ها و نورپردازی را نشان می‌دهد؛ از این رو این عامل ویژگی‌های بصری و ظاهری نام‌گذاری شد. متغیرهای مربوط به عامل دوم به آموزش‌ها، مهارت‌ها، روابط اجتماعی و فرهنگ کار گروهی، تبلیغات و آگاهی‌رسانی اشاره دارد؛ از این رو این عامل ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مقصد در پذیرش گردشگری کودک نام‌گذاری شد. گویه‌های عامل سوم به ابزارها، وسایل بازی و خدماتی و همچنین فناوری لازم برای توسعه گردشگری کودک می‌پردازد؛ از این رو این عامل امکانات و فناوری‌های موجود نام‌گذاری شد. متغیرهای عامل چهارم به در نظر گرفتن و برپایی رویدادها و جشنواره‌هایی اشاره دارد که به جذب گردشگران کودک و خانواده‌های آن‌ها منجر می‌شود. از آنجاکه چنین رویدادهایی زمینه‌ساز افزایش تقاضای این نوع گردشگری است، این عامل رویدادهای اجتماعی با هدف جذب گردشگر نام‌گذاری شد. در نهایت بررسی متغیرهای مربوط به عامل پنجم نشان می‌دهد که فضاها و محیط‌هایی که با ویژگی‌ها و توانمندی‌های کودکان متناسب است، امنیت آنان را در استفاده از سازه‌های عمرانی و فیزیکی مدنظر قرار می‌دهد؛ از این رو این عامل ویژگی‌های فیزیکی و ساختاری نام‌گذاری شد.

تحلیل عاملی تأییدی

این روش، در قالب مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام می‌شود. هدف از مدل‌سازی معادلات ساختاری، آزمون فرضیه‌ها برای اطمینان از معناداری (الف) بارهای عاملی سازه‌ها و (ب) کمترین شباهت میان متغیرهای نامشهود (عامل‌های استخراج‌شده) به کار گرفته می‌شود. نخست مدل ساختاری براساس

که کمتر از ۰/۰۸ (حداکثر میانگین مطلوب) است. از این رو مدل ساختاری طراحی شده تأیید شد. سایر شاخص‌ها میزان مقبولی دارند که مناسب بودن مدل را تأیید می‌کنند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش که با هدف شناخت و درک نیازها و انتظارات کودکان از تجربه سفر لذت‌بخش ارائه شده است میان این نیازها و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی، و زیرساختی و فیزیکی محیط مقصد ارتباط تنگاتنگی را نشان می‌دهد. از آنجاکه نیازهای این گروه غالباً مشابه است و پویایی چندانی نشان نمی‌دهد، انتظار می‌رود با سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های مناسب در بخش دولتی و خصوصی، توسعه آن شتاب یابد. بررسی دستاوردهای پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اکثر مطالعات بر شناخت شاخص‌های شهر دوستدار کودک متمرکز است و تاکنون کمتر به بررسی مؤلفه‌های مؤثر در توسعه گردشگری کودک پرداخته شده است.

طراحی دقیق فضاهای گردشگری شهری متناسب با نیازهای حال و آینده کودکان، در ابعاد متفاوت، در این پژوهش مدنظر قرار گرفته است. تحلیل داده‌های پیمایش آماری مشخص کرد که پنج مؤلفه اصلی‌ترین ویژگی‌های مؤثر در توسعه گردشگری کودک را نشان می‌دهد که غالباً بر ارتقای توانمندی‌های مقصد تأکید دارد. این مؤلفه‌ها به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از ویژگی‌های بصری و ظاهری اماکن مقصد، شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی، امکانات فناوری، رویدادهای اجتماعی، و زیرساخت‌ها و امکانات فیزیکی. در ادامه نتایج اصلی پژوهش به تفکیک بررسی شده است. در تحلیل شاخص‌های استخراج‌شده، متغیر ویژگی‌های بصری و ظاهری با ضریب تأثیرگذاری ۱۴/۵۸۳ مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل در توسعه

گردشگری کودک) مطلوب‌تر است (Estabrook and Neale, 2013).

برای ارزیابی برازندگی مدل‌های ساختاری، از آزمون مجذور کای استفاده شده است که مقدار آن وابسته به حجم نمونه است (حنفی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). شاخص‌های دیگری نیز برای ارزیابی مدل‌های ساختاری استفاده می‌شود که اگرچه مبتنی بر مقدار مجذور کای هستند، اما اثر حجم نمونه در آن‌ها تعدیل شده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۵) می‌توان گفت مدل توسعه گردشگری کودک برازش مناسبی دارد و سازه‌ها و گویه‌های مرتبط با آن‌ها معنادارند. جدول ۵ نشان می‌دهد که تمامی مشخصه‌های برازندگی در سطح پذیرفتنی هستند و داده‌های این تحقیق با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و گویه‌های این مقیاس با سازه زیربنایی همسویند.

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل ساختاری گردشگری کودک

در روش تحلیل عاملی تأییدی

شاخص تناسب	RMSEA	IFI	RFI	NFI	TLI	CFI	$\chi^2/\#$
دامنه مقبول	<0/08	>0/9	>9/0	>0/9	>0/9	>0/9	<3
نتیجه	0/007	0/997	0/870	0/881	0/997	0/997	020 1/

در توضیح جدول ۵، با توجه به اینکه مهم‌ترین آماره برازش آماره مجذور کای است، میزان تفاوت ماتریس مشاهده‌شده و برآوردشده را اندازه‌گیری می‌کند. این آماره به حجم نمونه بسیار حساس است؛ بنابراین مقدار آن بر درجه آزادی تقسیم می‌شود. برای عالی‌بودن نتیجه باید مقدار آن کمتر از ۳ باشد. همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، این مقدار ۱/۰۲۰ است. دیگر شاخص بااهمیت، نیکویی برازش (GFI) است که نشان‌دهنده برازش مقبول و مطلوب مدل است. مقدار ریشه میانگین مربع خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۰۷ به‌دست آمده است

کودک در محیط‌های متفاوت آرامش کودک را افزایش می‌دهد و زمینه سرگرمی و آموزش وی را فراهم می‌کند. ریچرز و همکاران (2019) در مطالعه خود به این موضوع اشاره کرده‌اند. در این خصوص به منظور حفظ و ارتقای امنیت اجتماعی کودکان و خانواده‌ها می‌توان به آموزش و اطلاع‌رسانی به جامعه میزبان اقدام کرد. بهره‌گیری از متخصصانی که دانش مرتبط با آموزش و پرورش کودکان را دارند ممکن است در سرعت بخشیدن به دستیابی به این هدف یاری‌بخش باشد؛ هرچند در نظر گرفتن این راهکارها به تنهایی کافی نیست و نیازمند آموزش و آگاهی‌رسانی به عموم در خصوص آشنایی با حقوق کودک و نحوه تعامل با آنهاست. هرچه توفیق در این امر بیشتر باشد، شتاب تقویت تعاملات میان جامعه و گردشگر کودک و احساس درک مشترک در آنها افزوده می‌شود. بنابراین، نیازمند همکاری میان گروه‌های متعدد درگیر در امر آموزش و پرورش کودکان است تا به همه ابعاد نیازهای روان‌شناختی و جسمانی کودک در روابط اجتماعی توجه شود. امکانات و فناوری‌های موجود سومین عامل استخراج‌شده در این پژوهش است که ضریب تأثیر آن برابر با ۱۱/۰۰۹ است. هر جامعه‌ای نیازمند امکانات مناسب برای تأمین نیازهای خود به منظور افزایش سطح رفاه است که طیف وسیعی از ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مانند دسترسی به محیط سالم و بهداشتی، وسایل حمل‌ونقل عمومی و فناوری‌های روزآمد را دربر می‌گیرد. این موضوع در مورد کودکان اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا به علت توان جسمی و محدودتر آنان نقش ابزارها و فناوری‌ها در هدایت استعدادها و بالفعل‌سازی مهارت‌های آنها بیشتر است. یکی از راهکارهای توسعه چنین ابزارهایی توجه به ارگونومی و ساختار فیزیولوژیک جسمانی کودک است و متناسب‌سازی ابزارها و وسایل به نحوی که آنها به سهولت قادر

گردشگری برای کودک است. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه این نوع گردشگری توجه به احساس زیبایی‌شناختی و تهییج حس بصری در کودکان است. از آنجاکه گردشگری فرایند اجتماعی - محیطی است و گردشگران دائماً با سایر عناصر انسانی و غیرانسانی مواجه‌اند، توجه به محیط و جذابیت‌های آن موجب می‌شود که حس تعلق فرد به پیرامون خود افزایش یابد و محصول نهایی گردشگری که دریافت ذهنی و تجربه است حاصل شود. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در پژوهش‌های متعددی مانند مطالعات ریچرز و همکاران (2019)، پری و همکاران (2018)، دریسکل (2017)، کریستیدو و همکاران (2013)، نوردسترام (2010) و مجتبوی و همکاران (۱۳۹۳) به این موضوع اشاره شده است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود متولیان حوزه گردشگری، شامل سازمان‌های مسئول، شهرداری‌ها و بخش خصوصی، شاخص‌های زیباسازی شهر و سازه‌ها، روشنایی و بهره‌گیری از جذابیت‌های بصری مانند استفاده از شخصیت‌های محبوب گردشگران کودک را به‌منزله عنصری مهم در طراحی‌ها مدنظر قرار دهند. البته کارکرد این راهکار هنگامی است که توجه به اصالت فرهنگی جامعه هدف و آرامش محیطی لازم برای گردشگر محفوظ بماند.

مؤلفه تأثیرگذار بعدی در توانمندسازی مقصد، توجه به ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی با ضریب تأثیرگذاری ۱۱/۷۰۹ است. حضور گردشگران کودک معمولاً در کنار خانواده‌ها و اجتماع سایر گردشگران و جامعه میزبان رخ می‌دهد و بیش از آنکه کودک با جاذبه‌های گردشگری تحریک شود، وجود جامعه‌ای همدل و همراه تفکرات و برداشت‌های ذهنی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از این رو توجه به شاخص‌های اجتماعی مانند احساس امنیت روانی، درک شدن شرایط کودکان و وجود افراد آموزش‌دیده متخصص برای یاری‌دادن به

ویژگی‌های فیزیکی و زیرساختی معرفی شده است که در پژوهش‌های پری و همکاران (2018)، در اسکال (2017)، و کریستیدو و همکاران (2013) به خوبی به آن اشاره شده است. به باور این پژوهشگران، نیازهای کودک متأثر از آموزه‌های محیط اجتماعی و فیزیکی شکل می‌گیرد و ممکن است به طراحی متناسب سازه‌ها در هدایت استعدادها و توانمندی‌های آن‌ها، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و محیط کلان، توجه شود. کودکان اغلب، به علت درک محدود و مقطعی و گذرا از آینده، رفاه و تفریح و لذت گذرا را بیشتر درک می‌کنند، اما در صورتی که طراحی و پیاده‌سازی سازه‌ها، علاوه بر تأمین نیاز کودکان، دانسته یا نادانسته آن‌ها را در شرایط تفکر و یادگیری ذهنی و جسمی قرار دهد، می‌توان از پرورش نسل توانمند با استعدادهای شکوفاشده اطمینان بیشتری داشت. توسعه شهرداری‌ها و پارک‌های موضوعی، فضاهای تفریح همراه با تعامل اجتماعی، در نظر گرفتن استانداردهای کودکان در طراحی سازه‌ها و خلق محیط امن و دسترس‌پذیر برای آن‌ها از مهم‌ترین فرصت‌ها در دستیابی به این هدف است.

در این پژوهش، مؤلفه‌های مؤثر در توسعه گردشگری کودک در مقصد شهر یزد براساس سطح خواسته‌ها و نیازهای آموزشی و پرورشی اولیا و مربیان آن‌ها استخراج شد. در اجرای پژوهش، اصول روش تحقیق و تحلیل‌های آماری به‌دقت رعایت شده است و نتایج به سایر مقاصد مستعد گردشگری کودک تعمیم‌پذیر است. اما به علت محدودیت‌هایی مانند تفاوت‌های فرهنگی جوامع، رویکردها و اهداف متغیر در تربیت نسل‌های آینده و سایر شاخص‌های محیط کلان مانند شرایط اقتصادی و قانونی متفاوت لازم است به شاخص‌های دیگری نیز در شناخت توانمندی گردشگری کودک در مقاصد توجه شود. همچنین، با در نظر گرفتن ویژگی‌های متفاوت جسمانی کودکان، نیازهای گوناگون آن‌ها

به انجام فعالیت‌ها باشند. همین موضوع در مطالعات مولا (2019)، عام و چانگ (2019) و پری و همکاران (2018) مدنظر قرار گرفته است؛ به نحوی که چنین اقداماتی را شرط لازم توسعه مشارکت و درگیر کردن کودکان در انجام فعالیت‌ها و البته یادگیری می‌دانند. از جمله کارهایی که برای استقلال کودکان، آشنایی، همکاری و دوستی با همسالانشان می‌توان در نظر گرفت، برنامه‌ریزی برای برگزاری همایش‌ها، جشنواره‌های علمی، تورهای ورزشی و مسابقات مخصوص کودکان است. این اقدام‌ها که در حقیقت رویدادهایی با هدف آموزش و سرگرمی کودکان است، علاوه بر تأمین نیازهای خاص آن‌ها و اولیایشان، ممکن است در حکم ابزاری برای معرفی گسترده‌تر مقصد گردشگری به دیگران قرار گیرد. معرفی این رویدادها در رسانه‌ها و نقل سینه‌به‌سینه شرکت‌کنندگان که سفیران معرفی مقصد پس از بازگشت به محل زندگی خود هستند، در افزایش تقاضای گردشگری مقصد و در پی آن دستیابی به مواهب اقتصادی و اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. بنابر یافته‌های پژوهش، اهمیت برپایی رویدادهای اجتماعی در مقصد در رتبه چهارم قرار می‌گیرد و در مطالعات پومفرت و وارلی (2019) و کسسی (2017) نیز به اهمیت آن اشاره شده است. به باور آن‌ها، یکی از محورهای جذب گردشگران به مقاصد برگزاری منظم چنین رویدادهایی در زمینه‌های متفاوت است که انتظار می‌رود در نظر گرفتن نقش محوری کودکان در این رویدادها نیز توسعه گردشگری این گروه از جامعه را شتاب بخشد.

در نهایت، آخرین شناسایی شده در این پژوهش توجه به استانداردهای طراحی در ساخت سازه‌ها و عمران محیط فیزیکی است. به علت نیازهای متفاوت کودکان، باید با در نظر گرفتن توانمندی‌ها و فرصت‌های رشد آن‌ها در توسعه شهر برنامه‌ریزی عمرانی صورت گیرد. این مؤلفه با عنوان

شهری برای کودکان، نمونه موردی: محله نظامیه تهران». معماری و شهرسازی آرمان شهر، سال ششم، شماره ۱۱، ص ۲۳۹-۲۴۹.

کیانی سلمی، صدیقه و نظری، نجمه (۱۳۹۶). «گردشگری کودک و نقش آن در حفاظت از محیط زیست و توسعه گردشگری پایدار». چهارمین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست. تهران، ۲ و ۳ خردادماه ۱۳۹۶.

مجتبوی، سیده‌مریم، ولی‌داد، محمدتقی و شهسواری، ناهید (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد خلاقیت در فضاهای مرتبط با کودک». همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی - اسلامی؛ نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و فناوری، مشهد، ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۹۳.

محمودی میمند، محمد و مقدمی، امیر (۱۳۹۱). مدیریت نوین توریسم جهانی (شناخت مفاهیم، اصول و بازاریابی توریسم). تهران: انتشارات مهکامه.

مختاری ملک‌آبادی، رضا، بهشتی‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۴). «تحلیل میزان تطابق شهر اصفهان با شاخص‌های گردشگری دوستدار کودک با تأکید بر شهر رویاهای اصفهان». کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، تهران، ۵ آذرماه ۱۳۹۴. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). مدل‌سازی معادلات ساختاری. تهران: انتشارات سمت.

Chaudhury, M., Hinckson, E., Badland, H., & Oliver, M. (2019). "Children's independence and affordances experienced in the context of public open spaces: A study of diverse inner-city and suburban neighbourhoods in Auckland, New Zealand". *Children's Geographies*, 17(1), 49-63.

Christidou, V., Tsevreni, I., Epitropou, M., & Kittas, C. (2013). "Exploring Primary Children's Views

براساس گروه‌های متفاوت سنی، و حتی افراد دارای معلولیت، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به ویژگی‌های روان‌شناختی و فیزیولوژیک کودکان در متناسب‌سازی امکانات گردشگری با شرایط آن‌ها به‌صورت موردی پرداخته شود.

منابع

بهاروند، شکوفه (۱۳۹۳). «بررسی و بازبینی مفهوم شهر دوستدار کودک از مشارکت‌سازی کودکان تا استانداردهای طراحی؛ با ارائه راهکارهای اجرایی و راهبردی». مدیریت شهری، سال سیزدهم، شماره ۳۴، ص ۲۹۷-۳۲۲.

بهراری میمندی، سید امیرعباس، دریاباری، سید جمال‌الدین، بخشنده نصرت، عباس و نجفی، عباس (۱۳۹۷). «نقش گردشگری در توسعه پایدار رامسر».

فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. سال دهم، شماره ۲، ص ۱۴۷-۱۵۷.

حنفی‌زاده، پیام، رحمانی، آرزو و خدمتگزار، حمیدرضا (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق ساختارهای چندبعدی، تهران: انتشارات ترمه.

خادمی گراشی، مهدی و نوروزی، مهناز (۱۳۹۶). «تأثیر محتوای احساسی پیام‌های تبلیغاتی بر نیت خرید کودک». فصلنامه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، دوره شانزدهم، شماره ۳ پیاپی ۳۱، ص ۱۰۳-۱۱۸.

شفیع‌پور یوردشاهی، پریا، کیانی، مصطفی و طباطبائیان، مریم (۱۳۹۷). «نقش طراحی فضای بازی در پرورش خلاقیت کودکان». معماری و شهرسازی آرمان شهر، سال یازدهم، شماره ۲۳، ص ۵۳-۶۳.

صادقلو، طاهره و ذاکری، صدیقه (۱۳۹۷). «ارزیابی و اولویت‌بندی جاذبه‌های گردشگری با هدف توسعه گردشگری (منطقه مورد مطالعه: شهر مشهد)». فضای گردشگری، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۵۹-۷۰.

کاشانی جو، خشایار، هرزندی، سارا و فتح‌العلومی، ایلناز (۱۳۹۲). «بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای

- (2018). "A family for the holidays: delineating the hospitality needs of European parents with young children". *Young Consumers*, 19(2), 159-171.
- Kim, S. E., Lee, K. Y., Shin, S. I., & Yang, S. B. (2017). "Effects of tourism information quality in social media on destination image formation: The case of Sina Weibo". *Information and Management*, 54(6), 687-702.
- McKercher, B. (2016). "Towards a taxonomy of tourism products". *Tourism Management*, 54, 196-208.
- Mowla, M. M. (2019). "E-Tourism: An Innovative and Sustainable Approach to Appreciate the Economic Growth in Bangladesh". *IJAME*, 8(3), 1-10.
- Nordström, M. (2010). "Children's views on child-friendly environments in different geographical, cultural and social neighbourhoods". *Urban studies*, 47(3), 514-528.
- Perry, M. A., Devan, H., Fitzgerald, H., Han, K., Liu, L. T., & Rouse, J. (2018). "Accessibility and usability of parks and playgrounds". *Disability and health journal*, 11(2), 221-229.
- Pomfret, G. and Varley, P. (2019). "Families at leisure outdoors: well-being through adventure". *Leisure studies*, 1-15, <https://doi.org/10.1080/02614367.2019.1600574>
- Poria, Y. and Timothy, D. J. (2014). "Where are the children in tourism research?". *Annals of Tourism Research*, 47(2014), 93-95.
- Riechers, M., Strack, M., Barkmann, J., & Tschardtke, T. (2019). "Cultural Ecosystem Services Provided by Urban Green Change and Experiences of the School Ground: The Case of a Greek School". *International Journal of Environmental and Science Education*, 8(1), 59-83.
- Driskell, D. (2017). *Creating better cities with children and youth: A manual for participation*. Routledge.
- Estabrook, R., & Neale, M. (2013). "A comparison of factor score estimation methods in the presence of missing data: Reliability and an application to nicotine dependence". *Multivariate behavioral research*, 48(1), 1-27.
- Gil-Alana, L. A., dos Santos Figueiredo, O. H., & Wanke, P. (2019). "Structural breaks in Brazilian tourism revenues: Unveiling the impact of exchange rates and sports mega-events". *Tourism Management*, 74, 207-211.
- Hanssen, G. S. (2019). "The social sustainable city: how to involve children in designing and planning for urban childhoods?". *Urban Planning*, 4(1), 53-66.
- Hox, J. J., Moerbeek, M., & van de Schoot, R. (2017). *Multilevel analysis: Techniques and applications*. New York: Routledge.
- Jirásek, I., Roberson, D. N., & Jirásková, M. (2017). "The impact of families camping together: Opportunities for personal and social development". *Leisure Sciences*, 39(1), 79-93.
- Kececi, G. (2017). "The aims and learning attainments of secondary and high school students attending science festivals: A case study". *Educational Research and Reviews*, 12(23), 1146-1153.
- Khoo-Lattimore, C., delChiappa, G., & Yang, M. J.

- Um, T., & Chung, N. (2019). "Does smart tourism technology matter? Lessons from three smart tourism cities in South Korea". *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 1-19.
- along an Urban-Periurban Gradient". *Sustainability*, 11(3), 645.
- Sainaghi, R., Mauri, A. G., Ivanov, S., & d'Angella, F. (2019). "Mega events and seasonality: The case of the Milan World Expo 2015". *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 31(1), 61-86.
- Shavanddasht, M. (2018). "Grandparent's segmentation by the tourism motivation: travelling with or without grandchildren". *Young Consumers*, 19(2), 141-158.